

کتاب یوشع

درس
اول

مقدمه‌ای بر یوشع



THIRD MILLENNIUM
MINISTRIES

Biblical Education. For the World. For Free.

© 2022 by Third Millennium Ministries

All rights reserved. No part of this publication may be reproduced in any form or by any means for profit, except in brief quotations for the purposes of review, comment, or scholarship, without written permission from the publisher, Third Millennium Ministries, Inc., 316 Live Oaks Blvd., Casselberry, Florida 32707.

Unless otherwise indicated all Scripture quotations are from the HOLY BIBLE, NEW INTERNATIONAL VERSION. Copyright © 1973, 1978, 1984, 2011 International Bible Society. Used by Permission of Zondervan Bible Publishers.

ABOUT THIRD MILLENNIUM MINISTRIES

Founded in 1997, Third Millennium Ministries is a nonprofit Christian organization dedicated to providing **Biblical Education. For the World. For Free.**

In response to the growing global need for sound, biblically-based Christian leadership training, we are building a user-friendly, donor-supported, multimedia seminary curriculum in five major languages (English, Spanish, Russian, Mandarin Chinese, and Arabic) and distributing it freely to those who need it most, primarily Christian leaders who have no access to, or cannot afford, traditional education. All lessons are written, designed, and produced in-house, and are similar in style and quality to those on the History Channel[®]. This unparalleled, cost-effective method for training Christian leaders has proven to be very effective throughout the world. We have won Telly Awards for outstanding video production in Education and Use of Animation, and our curriculum is currently used in more than 192 countries.

Third Millennium materials take the form of DVD, print, Internet streaming, satellite television transmission, and radio and television broadcasts.

For more information about our ministry and to learn how you can get involved, please visit <http://thirdmill.org>.

سرشناسه: کتاب یوشع (درس شماره ۱: مقدمه‌ای بر یوشع)
حق چاپ ترجمه فارسی این اثر برای انتشارات خدمات مسیحی هزاره سوم محفوظ است. هرگونه نسخه‌برداری، چاپ، توزیع و دخل و تصرف در این اثر بدون اجازه ناشر مطابق قانون حق مولف ممنوع و منوط به کسب اجازه رسمی از ناشر است. ارجاعات کتاب مقدسی از ترجمه قدیم و هزاره نو (انتشارات ایلام) و ترجمه مزده برای عصر جدید (انجمن متحد کتاب مقدس) گرفته شده است.

فهرست مطالب

(۱) مقدمه

(۲) نویسندگی و تاریخ

دیدگاه‌های سنتی

دیدگاه‌های انتقادی

دیدگاه‌های اوانجلیکال

سیر تکاملی

تکمیل

(۳) طرح و هدف

ساختار و محتوا

فتح پیروزمندان (۱-۱۲)

میراث سبطی (۱۳-۲۲)

وفاداری به عهد (۲۳-۲۴)

معنای اصلی

فتح پیروزمندان

میراث سبطی

وفاداری به عهد

(۴) کاربرد مسیحی

تاسیس

فتح پیروزمندان

میراث سبطی

وفاداری به عهد

تداوم

فتح پیروزمندان

میراث سبطی

وفاداری به عهد

تکمیل

فتح پیروزمندان

میراث سبطی

وفاداری به عهد

(۵) نتیجه‌گیری

مقدمه‌ای بر یوشع

مقدمه

معمولاً در اقصا نقاط جهان اینطور مرسوم است که مردم از رویدادهای بزرگی که در زمان تاسیس کشورهایشان رخ داده، خوشحال می‌شوند. اما وقتی که نسل‌های بعدی با چالش‌ها، زیان‌ها، و ناامیدی‌ها روبرو می‌شوند، لازم است که اهمیت آن رویدادهای گذشته به آنها یادآوری شود. از بسیاری جهات، این تجربه مرسوم در کتاب یوشع عهد عتیق نیز منعکس شده است. زمانی که قوم اسرائیل وارد سرزمین‌شان در کنعان شدند، رویدادهای بزرگی رخ دادند. اما هنگامی که نسل‌های بعدی با مشکلات روبرو شدند، لازم بود که از نو متوجه بشوند که آن رویدادها چقدر اهمیت داشته‌اند.

این اولین درس از مجموعه دروس «کتاب یوشع» است و ما آن را «مقدمه‌ای بر یوشع» نامیده‌ایم. همانطور که خواهیم دید، وقتی می‌آموزیم که کتاب یوشع چه معنایی برای اسرائیل باستان داشت، بهتر مجهز می‌شویم تا ببینیم که این کتاب برای روزگار ما نیز چه درس‌های زیادی دارد.

مقدمه ما بر کتاب یوشع، به سه بخش تقسیم می‌شود. نخست، به بررسی موضوعات نویسندگی و تاریخ آن می‌پردازیم. دوم، یک بررسی اجمالی از طرح و هدف آن را معرفی می‌کنیم. و سوم، تعدادی از ملاحظات کلی که باید در هنگام کاربرد مسیحی این کتاب در نظر داشته باشیم را ترسیم خواهیم کرد. بیایید با نویسندگی و تاریخ کتاب یوشع شروع کنیم.

نویسندگی و تاریخ

روح‌القدس کتاب یوشع را الهام کرد تا این کتاب گزارشاتی حقیقی از تاریخ به ما ارائه کند. اما باید این را هم به یاد داشته باشیم که روح‌القدس، دیدگاه‌ها و اهداف نویسندگان بشری کتاب مقدس را به کار گرفت تا گزارشات تاریخی آنها را شکل بدهد. بنابراین، درست مانند هر بخش دیگری از کتاب مقدس، هرچه بیشتر درباره نویسنده بشری و روزگار او بدانیم، بهتر می‌توانیم کتاب یوشع را درک کنیم.

ما به طور خلاصه، سه دیدگاه درباره نویسنده و تاریخ کتاب یوشع را ترسیم خواهیم کرد: نخست، دیدگاه‌های سنتی؛ دوم، دیدگاه‌های انتقادی مدرن؛ و سوم، برخی از دیدگاه‌های اساسی اوانجلیکال که راهنمای ما در این درس خواهند بود. بیایید ابتدا به سراغ دیدگاه‌های باستانی و سنتی درباره نویسنده و تاریخ کتابمان برویم.

دیدگاه‌های سنتی

نویسنده کتاب یوشع ناشناس است. نه خود کتاب، و نه مابقی کلام خدا به ما نمی‌گوید که مولف نهایی یا نویسنده آن چه کسی بوده است. عنوان «کتاب یوشع» که در اکثر کتاب‌مقدس‌های امروزی ما به چشم می‌خورد، مدت‌ها بعد از نگارش این کتاب به آن اضافه شد. اما گرایش سنتی یهودیت باستان و مواضع مسیحی در این موارد، به خوبی در دیدگاه‌های ربانی بیان شده در تلمود، خلاصه شده‌اند. در مجموعه‌ای از پرسش و پاسخ‌ها در بخشی از تلمود که با عنوان «رسالة بابا باترا ۱۵» (Tractate Baba Bathra 15) شناخته می‌شود، اینطور می‌خوانیم:

[تو می‌گویی] که یوشع کتاب خود را نوشت. اما مگر نوشته نشده که، «یوشع بن نون، بنده خداوند، مُرد»؟ - این کتاب به دست العازار کامل شد. اما این نیز در آن نوشته شده که، «و العازار بن هارون مُرد» - فینحاس کتاب را تمام کرد.

همانطور که در اینجا می‌بینیم، ربای‌های برجسته، خود یوشع را نویسنده بخش عمده کتاب مورد بحث ما معرفی کردند. اما آنها همچنین اذعان کردند که بخش‌هایی از کتاب یوشع باید پس از مرگ او نوشته شده باشند. آنها روایت مرگ یوشع در ۲۴: ۲۹ را به العازار، کاهن اعظم، نسبت دادند. و روایت مرگ العازار در ۲۴: ۳۳ را به پسر او، فینحاس، منتسب کردند. از منظر این دیدگاه سنتی، کتاب یوشع بسیار زود هنگام، اندکی بعد از وقایع کتاب نوشته شد.

در واقعیت، تقریباً هیچ شواهدی برای پشتیبانی از این ادعاهای تلمود وجود ندارد. اما نباید این احتمال را هم که یوشع، العازار و فینحاس این کتاب کتاب‌مقدس را نوشته باشند، کاملاً نادیده بگیریم. از زمان خروج ۱۷: ۱۴ در می‌یابیم که یوشع در کار ثبت و حفظ وقایع تاریخی اسرائیل دخیل بود. همچنین، یوشع بر کار نگارش شریعت خدا برای استفاده آیینی در متونی مانند یوشع ۸: ۳۲ و ۲۴: ۲۶ نظارت داشت. و در همین راستا، کاهنانی مانند العازار و پسرش فینحاس، نقش مهمی در به‌کارگیری و تعلیم کلام خدا داشتند. اندکی بعد، متوجه خواهیم شد که نویسنده یوشع در تالیف کتاب خود بر منابع مکتوب مختلفی تکیه داشت. و ممکن است که یوشع، العازار، فینحاس و دیگرانی مانند آنها، در آخرین لحظات، به طور غیر مستقیم در نگارش آن منابع نقش داشته‌اند.

کتاب یوشع درباره نگارش خود، سرنخ‌هایی به ما می‌دهد. در باب ۱۸، از هفت سبط به ما می‌گوید که هنوز سهم زمین خود را دریافت نکرده بودند، و با یوشع در موردش صحبت کردند و او به مردانی از آن اسباط ماموریت داد که وارد سرزمین شوند و گزارشی از وضعیت زمین بنویسند، و آنها با آن گزارش برگشتند. به نظر من، آن گزارش احتمالاً،

توصیفی است که در باب‌های ۱۸-۲۰ وجود دارد، وقتی که آنها دربارهٔ این اسباطی صحبت می‌کنند که زمین‌شان به آنها اختصاص داده شده، شهرهایی که تسخیر کرده‌اند و مرزهای زمین را توصیف می‌کند. و بنابراین، این بخش از آن سه باب احتمالاً یک نوشتهٔ اولیه است که مردانی که برای شناسایی سرزمین فرستاده شدند با آن توصیف برگشتند... باب ۲۴ به ما می‌گوید که یوشع در کتاب شریعت نوشت، و این احتمالاً دست‌کم شامل عهدی بود که او با فرزندان اسرائیل در آن زمان منعقد می‌کرد. اینطور مطرح شده که احتمالاً این همان کتاب شریعت است که موسی در آن نوشته بود، چون یوشع آن را در حضور خداوند قرار خواهد داد و او آن را می‌نویسد؛ او آن را در حضور خداوند قرار می‌دهد، به همان شکلی که مطالب موسی ظاهراً در خیمه به عنوان یک سپردهٔ مقدس در حضور خدا قرار داده شده بود. و بنابراین، این قسمت از یوشع نیز احتمالاً به طور صریح در کتاب یوشع مورد اشاره قرار گرفت. اگر این درست باشد که ما توصیف زمین را داریم، و ما روایت عهدی را داریم که در پایان کتاب یوشع قرار دارد، پس احتمالاً درست که روایت‌های دیگر در مورد جنگ‌ها هم که شامل جزئیات زیادی هستند، احتمالاً بسیار زود هنگام به دست یوشع نوشته شده‌اند.

- دکتر چپ مک‌دانیل

با در نظر داشتن این دیدگاه‌های سنتی دربارهٔ نویسندگی و تاریخ کتاب یوشع، بیایید دیدگاه‌های انتقادی مدرن را در نظر بگیریم - یعنی نقطه نظراتی که عموماً مورد باور محققان مدرنی است که اعتبار کامل کتاب مقدس را رد می‌کنند.

دیدگاه‌های انتقادی

عمدهٔ محققان منتقد جدید در مورد یوشع، عمیقاً تحت تاثیر کتاب مارتین نوث (Martin Noth) به نام «تاریخ تثنیه‌ای» (The Deuteronomistic History) قرار دارند که در سال ۱۹۴۳ نوشته شد. به طور خلاصه، دیدگاه نوث این بود که کتاب‌های تثنیه، یوشع، داوران، سموئیل و پادشاهان در طی دورهٔ تبعید بابلی و توسط شخصی نوشته شده‌اند که معمولاً «تثنیه‌نویس» خوانده می‌شود، و از این دیدگاه، تمام تاریخ تثنیه‌ای، از جمله کتاب تثنیه، از منابع مکتوب مختلف پیشین در زمان تبعید بابلی تالیف شده‌اند. هدف اصلی کتاب‌های مذکور این بود که نشان بدهند اسرائیل سزاوار دآوری شکست و تبعیدی بود که بر پادشاهی‌های شمالی و جنوبی اعمال شد.

در طول دهه‌ها، اکثر مفسران منتقد، بسیاری از دیدگاه‌های اصلی نوث به ویژه تعیین تاریخ نگارش کتاب در زمانی طی تبعید بابلی را تایید کردند. با این حال، بسیاری از محققان منتقد به درستی بیان کرده‌اند که نوث نتوانست دیدگاه‌های الاهیاتی منحصر به فرد تک تک کتاب‌های این بخش از عهد عتیق را شناسایی کند. و همچنین استدلال کرده‌اند که نوث، دیدگاه‌های مثبت و امیدبخشی که در این کتاب‌ها به چشم می‌خورند را نیز نادیده گرفت.

پس از نگاه به دیدگاه‌های سنتی و انتقادی درباره نویسنده‌گی و تاریخ کتاب‌مان، بیایید برخی از دیدگاه‌های مدرن اوانجلیکال را در نظر بگیریم - دیدگاه‌های محققانی که اعتبار کامل کتاب مقدس را تایید می‌کنند. این دیدگاه‌ها، راهنمای رویکرد ما به کتاب یوشع در سراسر این درس خواهند بود.

دیدگاه‌های اوانجلیکال

همانطور که پیش‌تر ذکر کردیم، نویسنده کتاب یوشع ناشناس است. و در نتیجه، اوانجلیکال‌ها به دیدگاه‌های مختلفی در مورد نویسنده‌گی و تاریخ آن باور داشته‌اند. با این وجود، مفید است که به دو مورد توجه کنیم. نخست، به چیزی نگاه می‌کنیم که می‌توانیم آن را سیر تکاملی تالیف کتاب بنامیم. و دوم، به بررسی طیف محتمل تاریخ‌ها برای تکمیل آن خواهیم پرداخت. ابتدا سیر تکاملی تالیف یوشع را در نظر می‌گیریم.

سیر تکاملی

وقتی که ما درباره سیر تکاملی کتاب‌مان صحبت می‌کنیم، منظورمان این است که مانند بسیاری دیگر از نویسندگان عهد عتیق، نویسنده یوشع تاریخ خود را از نو، یا کاملاً از ابتدا نمی‌نویسد. بلکه در حین شکل دادن به کتاب خود، از منابع مکتوب گوناگونی استفاده کرد. همانطور که پیش‌تر دیدیم، هم تلمود و هم مفسران منتقد معتقدند که کتاب ما بازتاب نوعی از سیر تکاملی تالیف است. و روی هم رفته، اوانجلیکال‌ها نیز استفاده نویسنده‌مان از منابع را تصدیق می‌کنند.

ما به طور قطع می‌دانیم که این نکته تا حدودی درست است، چون نویسنده ما در ۱۰: ۱۳ از آنچه که «کتاب [یا طومار] یاشر» نامید نقل قول کرد. چیز زیادی در مورد این کتاب نمی‌دانیم، اما واضح است که نویسنده و مخاطبین اولیه او در موردش آگاه بودند. فرای این، همانطور که در سراسر این مجموعه درس خواهیم دید، نویسنده ما بارها و بارها بخش‌هایی از تورات و همچنین متون خارج از کتاب مقدس در انواع مختلف را در متن خود گنجانده است. ما نمی‌توانیم این منابع ناشناس را بدون سرگردانی در حدس و گمان‌های بسیار، بازسازی کنیم. اما آگاهی از اینکه نویسنده‌مان از منابع پیشین مانند «کتاب یاشر» استفاده کرده است، به ما کمک می‌کند تا درک کنیم که چرا کتاب او گاهی تکرار و گسیخته به نظر می‌رسد.

این استفاده از منابع پیشین همچنین به ما کمک می‌کند تا به هنگام شناسایی زمان تاریخ تکمیل نهایی کتاب‌مان، از یک اشتباه متداول اجتناب کنیم. کتاب یوشع در پانزده مورد می‌گوید که این یا آن رویداد «تا به امروز» صادق بوده است. طبیعتاً، ساده است که فکر کنیم عبارت «تا به امروز» به زمان نویسنده اشاره می‌کند. اما، همانطور که به وضوح در متونی مانند اول پادشاهان ۸: ۸ چنین است، گاهی امکان دارد که عبارت «تا به امروز» در حقیقت به روزگار منابع پیشین اشاره داشته باشد.

با وجود اینکه اوانجلیکال‌ها عموماً توافق دارند که نوعی سیر تکاملی تالیف درباره کتاب یوشع وجود دارد، اما ما همچنان می‌پرسیم که این کتاب چه زمانی به نقطه تکمیل خود رسید؟ چه زمانی به شکلی که اکنون آن را در کتاب مقدس داریم، گرد آمد؟

تکمیل

مانند بسیاری از کتاب‌های عهد عتیق، نمی‌توانیم دقیقاً مشخص کنیم که نویسنده ما چه زمانی کتاب یوشع را به شکل نهایی آن رسانده است. شواهد تنها به ما اجازه می‌دهند که یک طیف محتمل برای زود هنگام‌ترین و دیر هنگام‌ترین تاریخ‌های احتمالی تعیین کنیم. اما همانطور که در این دروس خواهیم دید، وقتی این طیف کامل از احتمالات را در ذهن داشته باشیم، بینش‌های مختلفی درباره اینکه چطور نویسنده‌مان کتاب خود را شکل داد تا بر مخاطب اولیه تاثیر بگذارد، به دست خواهیم آورد.

ما در دو مرحله به این طیف زمانی برای تکمیل کتاب یوشع نگاه خواهیم کرد. نخست، دیر هنگام‌ترین تاریخ تکمیل را در نظر می‌گیریم. و دوم، به سنجش زود هنگام‌ترین تاریخ ممکن خواهیم پرداخت. بیایید با دیر هنگام‌ترین تاریخ ممکن که یوشع می‌توانسته نوشته باشد، شروع کنیم.

یکی از بهترین راه‌ها برای تعیین دیر هنگام‌ترین تاریخ ممکن تالیف نهایی یوشع این است که به بیرون از خود کتاب نگاه کنیم. شواهد خوبی در این مورد وجود دارد که نویسنده ما آگاهانه در آنچه امروزه بسیاری از محققان آن را تاریخ اولیه اسرائیل می‌نامند، سهیم بوده است — تاریخی که از پیدایش تا پادشاهان، به استثنای روت، ادامه دارد. این دیدگاه مهم است چون این کتاب‌ها یکی پس از دیگری، مانند حلقه‌هایی در هم تنیده، یک خط زمانی ایجاد می‌کنند.

اینطور درباره‌اش فکر کنید که: تورات از زمان موسی می‌آید و اولین مجموعه از حلقه‌های این «زنجیر» است. پیدایش با آفرینش آغاز می‌شود و با یوسف و برادران او در مصر پایان می‌یابد. کتاب خروج، وجود پیدایش را فرض می‌گیرد، چون با گاهشماری مرگ یوسف ادامه می‌کند و با موسی و اسرائیل در کوه سینا تمام می‌شود. لاویان با گزارش رویدادهایی که در کوه سینا رخ دادند، ما را جلو می‌برد. اعداد، گزارشی از سفرهای اسرائیلیان از کوه سینا به دشت‌های موآب را اضافه می‌کند. و تثبیه، تورات را با خطابه‌های موسی در دشت‌های موآب و مرگ او تکمیل می‌کند.

به طریقی مشابه، کتاب یوشع اولین حلقه بعدی از بخش تثبیه‌ای تاریخ اولیه است — بخشی که به شدت بر دیدگاه‌های الهیاتی کتاب تثبیه تکیه دارد. نویسنده یوشع با مرگ موسی آغاز می‌کند و تا مرگ یوشع ادامه می‌دهد. داوران، تاریخ قوم اسرائیل را از جایی ادامه می‌دهد که یوشع به پایان می‌رسد. کتاب سموئیل با ظهور او به عنوان آخرین داور اسرائیل شروع می‌شود و با حکمرانی داوود به پایان می‌رسد. و کتاب پادشاهان که با مرگ داوود

آغاز و تبعید بابلی تمام می‌شود، آخرین مرحله از تاریخ اولیه را شکل می‌دهد. از این منظر، کتاب پادشاهان از تمام کتب قبلی تاریخ تثبیه‌ای سرچشمه می‌گیرد. و این حقیقت نکته مهمی در مورد دیرهنگام‌ترین تاریخ احتمالی برای تکمیل یوشع به ما می‌گوید: این کتاب می‌بایست پیش از آنکه پادشاهان نوشته شود تکمیل شده باشد.

این نظر از آنجا مفید است که ما چیزهای زیادی در مورد زمان نگارش کتاب پادشاهان می‌دانیم. آخرین رویدادی که در کتاب دوم پادشاهان گزارش شده، در ۲۵: ۲۷-۳۰ پدیدار می‌شود. در اینجا می‌آموزیم که یهوایکین، نواده سلطنتی داوود، به سال ۵۶۱ ق. م. از زندان در بابل آزاد شد. به همین دلیل، می‌توانیم مطمئن باشیم که کتاب پادشاهان پیش از این تاریخ تکمیل نشده است. و بیش از این، کتاب پادشاهان اندکی پیش از گزارش‌های بسیار مهم اسرائیل از تبعید در ۵۳۸ ق. م. متوقف می‌شود. قابل تصور نیست که اگر رهایی اسرائیل از تبعید در زمان نگارش کتاب پادشاهان رخ داده باشد، نویسنده به آن اشاره نکند. بنابراین، در راستای تطبیق با تاریخ اولیه اسرائیل، دیرهنگام‌ترین تاریخی که کتاب یوشع می‌توانسته تکمیل شده باشد، در طی دوره تبعید بابلی بود.

با در نظر داشتن این دیرهنگام‌ترین تاریخ ممکن، باید به سوی دیگری نگاه کنیم. زودهنگام‌ترین تاریخ ممکن برای تکمیل یوشع چه زمانی بوده است؟ دشوار نیست که ببینیم زودهنگام‌ترین تاریخی که کتاب یوشع می‌توانسته به شکل نهایی خود برسد، در دوره داوران — یک نسل یا بیشتر پس از مرگ یوشع بوده است. آنچه که نویسنده ما نزدیک به پایان کتاب خود، در ۲۴: ۳۱، نوشت را در نظر بگیرید:

اسرائیل در همه ایام یوشع و همه روزهای مشایخی که بعد از یوشع زنده ماندند و تمام عملی که خداوند برای اسرائیل کرده بود دانستند، خداوند را عبادت نمودند (یوشع ۲۴: ۳۱).

دقت کنید که این متن به «مشایخی که بعد از یوشع زنده ماندند» اشاره می‌کند. و در این میان همچنین می‌خوانیم که اسرائیل در طول عمر همه کسانی که از «تمام عملی که خداوند برای اسرائیل کرده بود» آگاه بودند، «خداوند را عبادت نمودند». این ارزیابی مثبت از وضعیت روحانی اسرائیل، نشان دهنده نکته‌ای درباره نویسنده ماست. او می‌باید آگاه بوده باشد که نسل پس از مرگ یوشع، به خدمت و عبادت وفادارانه خدا ادامه ندادند — حقیقتی که در کتاب داوران برجسته شده است. بنابراین این آیه نشان می‌دهد که زودهنگام‌ترین تاریخ ممکن برای تکمیل کتاب ما در دوره داوران اسرائیل بود.

متون دیگر در یوشع نیز به رویدادهایی اشاره می‌کنند که در دوره داوران رخ داده‌اند. برای مثال، یوشع ۱۹: ۴۷ به مهاجرت بنی‌دان به قلمرو جدیدی در شمال اشاره می‌کند. بر اساس داوران ۱۸: ۲۷-۲۹، این رویداد در زمان داوران به وقوع پیوست. بنابراین، می‌توانیم بگوییم که این زودهنگام‌ترین تاریخ ممکن برای تکمیل کتاب است.

حال باید همچین اشاره کنیم که بسیاری از مفسرین درباره تاریخ همزمان با دوره پادشاهی استدلال کرده‌اند. به دلایل متعددی، آنها به این نتیجه رسیده‌اند که در واقع این زمان زود هنگام‌ترین تاریخ ممکن برای تالیف نهایی کتاب است. و ما نمی‌توانیم این احتمال را نادیده بگیریم. مدرک اصلی برای این دیدگاه در یوشع ۱۱: ۲۱ پدیدار می‌شود که اینطور می‌خوانیم:

در آن زمان یوشع آمده، عناقیان را از کوهستان از جبرون و دبیر و عناب و همه کوه‌های یهودا و همه کوه‌های اسرائیل منقطع ساخت... (یوشع ۱۱: ۲۱).

همانطور که در اینجا می‌بینیم، این آیه بین «کوه‌های یهودا» یا پادشاهی جنوبی و «کوه‌های اسرائیل» یا پادشاهی شمالی تمایز قائل می‌شود.

این تمایز بین یهودا و اسرائیل برای برخی بیانگر آن بوده است که کتاب ما نمی‌تواند قبل از تقسیم پادشاهی اسرائیل در حدود ۹۳۰ ق. م. نوشته شده باشد. اما ضمن ذکر این احتمال، توجه به این نکته نیز مهم است که دست کم یکی از نسخه‌های سپتواجنت - ترجمه یونانی باستان عهد عتیق - این تمایز را قائل نمی‌شود. و محققان در مورد اینکه نسخه عبری یا یونانی خوانش بهتری ارائه می‌دهند اختلاف نظر دارند. بنابراین، در حالی که «امکان» دارد یوشع ۱۱: ۲۱ تقسیم پادشاهی را تایید کند، اما «قطعیت» ندارد.

اگر تمام این شواهد را کنار هم قرار بدهیم، زود هنگام‌ترین تاریخ ممکن برای تکمیل یوشع زمانی در طول دوره داوران بود. اما تاریخی دیرتر در حین دوره پادشاهی نیز محتمل است. و حتی تاریخی در دوره تبعید بابل نیز خارج از دایره احتمال نیست. همانطور که به زودی خواهیم دید، تشخیص این طیف کامل از احتمالات به ما کمک می‌کند تا درک کامل‌تری از انواع چالش‌هایی داشته باشیم که کتاب یوشع برای پرداختن به آنها طرح‌ریزی شد. با در نظر داشتن آنچه که درباره نویسندگی و تاریخ کتاب یوشع آموختیم، اکنون باید به سراغ دومین ملاحظه مقدماتی برویم: یعنی طرح و هدف کتاب. نویسنده ما چطور گزارش خود از وقایع دوران یوشع را طرح‌ریزی کرد؟ و چرا آنها را به این شکل طراحی کرد؟

طرح و هدف

هرگاه که یک کتاب از تاریخ کتاب مقدسی مانند یوشع را مطالعه می‌کنیم، همیشه مهم است به یاد داشته باشیم که همان وقایع تاریخی می‌توانند به طرق مختلف و بدون خطا بیان شوند. هر یک از کتاب‌های کتاب مقدس

که از وقایع تاریخی گزارش می‌دهند، تاریخ مورد گزارش خود را ترتیب می‌دهد تا اهداف خاصی را تحقق ببخشد و بر دیدگاه‌های خاصی برای مخاطبین اولیه خود تاکید کند.

ما به این موارد با جزئیات بسیار بیشتری در درس‌های بعدی نگاه خواهیم کرد، اما در اینجا طرح و هدف کتاب یوشع را در دو مرحله ترسیم می‌کنیم. نخست، ساختار و محتوای کلی آن، یعنی چیدمان کتاب در مقیاس گسترده را معرفی خواهیم کرد. و دوم، در مورد معنای اصلی آن و تاثیری که نویسنده امید داشته تا بر مخاطبین اولیه خود بگذارد، بحث می‌کنیم. ابتدا ساختار و محتوای کتاب یوشع را در نظر بگیرید.

ساختار و محتوا

کتاب یوشع از بیست و چهار باب تشکیل شده که حاوی انواع ادبی مختلفی است. در این کتاب، روایات، گزارشات، خطابه‌ها، و همچنین فهرست‌هایی از افراد و اماکن می‌بینیم که احتمالاً از منابع مختلفی بر آمده‌اند. به همین دلیل، مفسرین جزئیات ساختاری کتاب یوشع را به روش‌های مختلفی تحلیل کرده‌اند. اما سخت نیست که بینیم چطور ساختار و محتوای این کتاب در مقیاس گسترده با هم عمل می‌کنند.

محققان عهد عتیق راه‌های مختلفی برای تعیین یا شناسایی انواع ادبی در کتاب‌های مختلف کتاب مقدس دارند، اما به طور کلی، کتاب یوشع سه نوع ادبیات عمده در خود دارد. دارای سبکی است که ما آن را روایت یا داستان می‌نامیم، چیزهایی که به طور عادی متوجه می‌شویم مانند داستان نبرد اریحا یا مواردی از این دست. همچنین دارای فهرست‌های طولانی، فهرست‌های جغرافیایی، از مکان‌هایی که اسباط مختلف دریافت کردند که توسط خدا به آنها بخشیده شده بود و این اماکن را یکی پس از دیگری و دیگری و دیگری نام می‌برد. و بعد همچنین قسمت‌هایی دارد که در آنها گفتار یا خطابه‌هایی وجود دارد که توسط شخصی خاصی خطاب به گروه دیگری از مردم انجام شده. و می‌توانید ببینید اگر فقط در موردش فکر کنید در این سه دسته‌بندی بزرگ که آنها تقریباً با اولین بخش اصلی و دومین بخش اصلی و یک بخش اصلی سوم کتاب مرتبط هستند. اولین عمدتاً روایی است، دومین عمدتاً فهرست‌های جغرافیایی هستند، و سومین عمدتاً خطابه‌ها هستند. اما مشکل اینطور پیش می‌آید، اینطور که درون آن نامگذاری سبک‌ها یا چتر سبکی اصلی، شما آن دو تای دیگر را هم دارید که همیشه دخیل هستند... و بنابراین، در حالی که ما با این بخش‌های مختلف و سبک‌های گوناگون در کتاب یوشع روبرو هستیم، بسیار مهم است که آنها را در ذهن داشته باشیم و بتوانیم در حین مطالعه آنها را شناسایی کنیم. یکی از بزرگترین نقاط سردرگمی که مفسران دارند، به ویژه مفسران جدید یا دانشجویان جدید عهد عتیق این است که آنها این سبک‌های مختلف را نمی‌شناسند و با آنها به گونه‌ای برخورد نمی‌کنند که لازم است. و همینطور که به کتاب یوشع نزدیک می‌شویم، همینطور که هر کسی

به کتاب یوشع نزدیک می‌شود، اگر روی آن سبک‌های مختلف و نحوه ترکیب آنها در بخش‌های مختلف کتاب تمرکز نکنید، سردرگمی زیادی به دنبال خواهد داشت.

- دکتر ریچارد پرت

به طور خلاصه، یوشع دارای سه بخش اصلی است. هر بخش با عبارتی شروع می‌شود که نشان‌دهنده تغییر چشمگیری در زمان است. بخش اول، در باب‌های ۱-۱۲، بر فتح پیروزمندانه کنعان توسط اسرائیل تمرکز می‌کند - اینکه چطور یوشع اسرائیل را به پیروزی قاطع بر کنعانیان هدایت کرد. این بخش در ۱:۱ با اعلان زمانی آغاز می‌شود که خدا «بعد از وفات موسی» به یوشع ماموریت داد.

فتح پیروزمندانه (۱-۱۲)

این دوازده باب به گزارش تعدادی از وقایع می‌پردازد که در طول فتح سرزمین کنعان به دست کنعان رخ دادند. این فتوحات با عبور اسرائیل از اردن و پیروزی‌های اولیه در اریحا و عای آغاز می‌شوند. و این پیروزی‌ها با برگزاری مراسم تجدید عهد در مجاورت کوه جرزیم و کوه عیبال همراه هستند. روایت سپس به کارزار بزرگ یوشع علیه اتحادی در مناطق جنوبی سرزمین وعده می‌پردازد. و بعد روایت با کارزار یوشع علیه یک اتحاد دیگر در مناطق شمالی دنبال می‌شود.

میراث سبطی (۱۳-۲۲)

دومین بخش کتاب ما، در باب‌های ۱۳-۲۲، به میراث سبطی اسرائیل می‌پردازد - اینکه چطور وحدت ملی اسرائیل حفظ شد و میراث خاصی به هر یک از اسباط اسرائیل اختصاص پیدا کرد. این بخش در ۱۳:۱ با اعلان زمانی آغاز می‌شود که «یوشع پیر و سالخورده شد.»

این دومین بخش عمده یوشع، ابتدا محدوده سرزمین‌هایی را که خدا به اسرائیل بخشید مشخص کرد؛ هم در ماوراءالنهر - یعنی زمین‌های شرق رودخانه اردن - و هم در کرانه باختری - یعنی زمین‌های غرب رودخانه اردن. سپس در ادامه، به طور مفصل درباره اعطای زمین‌های خاص به قبایلی که اجازه سکونت در ماوراءالنهر را یافتند، توضیح می‌دهد. و همچنین بیان می‌کند که چطور خدا سرزمین‌های وسیعی در غرب اردن را به یهودا، افرایم، و منسی، و همچنین سرزمین‌های کوچک‌تری را نیز به سایر اسباط اسرائیل اعطا کرد. و سپس می‌آموزیم که وقتی مناقشاتی بین اسباط ماوراءالنهر و کرانه باختری به وجود آمد، آنها چگونه اتحاد ملی خود به عنوان قوم خدا را حفظ کردند.

وفاداری به عهد (۲۳-۲۴)

سومین بخش عمده در باب‌های ۲۳ و ۲۴، کتاب ما را با بذل توجه به وفاداری عهد اسرائیل خاتمه می‌دهد — یعنی چگونه وفاداری و عدم وفاداری اسرائیل به شروط عهد خدا، آینده آنها را شکل خواهد داد. این بخش در ۲۳: ۱ با اعلان دیگری آغاز می‌شود که به ما در مورد گذشت زمان هشدار می‌دهد. در اینجا می‌خوانیم، «بعد از روزهای بسیار... یوشع پیر و سالخورده شده بود.» و سپس در آیه ۱۴ ادامه پیدا می‌کند که، «اینک من امروزه به طریق اهل تمامی زمین می‌روم.»

این دو باب پایانی کتاب ما بر دو گردهمایی متمرکز است که یوشع نزدیک به زمان مرگ خود برگزار کرد. اولین گردهمایی احتمالاً در شیلوه انجام شد؛ مکانی مقدس که نقش مهمی در روزگار یوشع و سپس در دوره داواران داشت. و با یک گردهمایی نهایی در شکیم، جایی که ابراهیم اولین قربانگاه خود را در سرزمین کنعان ساخت، پایان می‌گیرد. تمام اسرائیل در این گردهمایی‌ها جمع شدند و یوشع به آنها درباره تخلفات آشکار نسبت به عهد خدا هشدار داد. و بعد، بدنه اصلی کتاب ما با هدایت قوم اسرائیل توسط یوشع در تجدید عهدشان برای وفاداری تنها به خدا، به پایان می‌رسد. آنها سوگند یاد کردند که خدایان تمام اقوام دیگر را رد کنند و خدای پدران‌شان را بر اساس شروط عهد خدا با آنها، خدمت و پرستش کنند. پس از این تجدید عهد، کتاب با خاتمه‌ای که شامل مرگ یوشع و چند واقعه پسین است، پایان می‌گیرد.

ما طرح و هدف کتاب یوشع را با در نظرگیری ساختار و محتوای کتاب بررسی کردیم. اکنون در موقعیتی هستیم که بپرسیم چطور باید معنای اصلی یوشع را خلاصه کنیم؟ هدف نویسنده ما از نگارش کتاب خود چه بود؟

معنای اصلی

از بسیاری جهات، می‌توانیم بگوییم که نویسنده کتاب یوشع با اهدافی نوشت که هر کدام از نویسندگان کتاب مقدس در آن شریک هستند. او کتاب خود را برای جلال خدا نوشت. و با اعمال اصول عهد خدا بر زمینه‌ها، رفتارها، و احساسات مخاطبین اولیه خود، در پی پیشبرد ملکوت خدا بود. اما همینطور که کتاب یوشع را مطالعه می‌کنیم، می‌توانیم تاکیدات ویژه‌ای که نویسنده ما هنگام نگارش کتاب خود برای مخاطبانش داشته را نیز شناسایی کنیم.

راه‌های زیادی برای خلاصه کردن معنای اصلی کتاب یوشع وجود دارد، اما در راستای اهدافمان، آن را اینطور بیان می‌کنیم:

کتاب یوشع در مورد فتح پیروزمندانه، میراث سبطی، و وفاداری اسرائیل به عهد در روزگار یوشع نوشته شد تا به چالش‌های مشابهی بپردازد که نسل‌های بعد با آن روبرو می‌شدند.

همانطور که می‌توانیم ببینیم، این خلاصه به سه بخش اصلی کتاب یوشع اشاره می‌کند: فتح پیروزمندانه، میراث سبطی، و وفاداری به عهد. اما چرا نویسنده ما بر این موارد متمرکز شد؟ همانطور که خلاصه ما نشان می‌دهد، نخست، او خواست تا وقایع روزگار یوشع را به مخاطبین خود یادآوری کند. و دوم، او نوشت تا نسل‌های بعدی و چالش‌های مشابهی که با آنها مواجه بودند را مخاطب قرار دهد. بیایید نگاهی به هر دوی این اهداف داشته باشیم و با این شروع کنیم که چرا نویسنده ما درباره روزگار یوشع نوشت.

همه کسانی که با کتاب یوشع آشنایی دارند، می‌دانند که این کتاب صریحاً به وقایعی می‌پردازد که در زمان راهبری اسرائیل توسط یوشع رخ دادند. این وقایع شامل: فتح پیروزمندانه کنعان به دست اسرائیل، تقسیم میراث سبطی اسرائیل از سوی یوشع، و وفاداری اسرائیل به عهد خدا هستند. بنابراین می‌توانیم بگوییم که یکی از اهداف اصلی نویسنده ما این بود که مخاطبان اولیه خود را از آنچه در «آن جهان» - یعنی جهان روزگار یوشع - اتفاق افتاده بود، آگاه کند. متون زیادی از عهد عتیق تاکید می‌کنند که اسرائیلیان اغلب راه خود را به خاطر فراموش کردن آنچه خدا در گذشته برای‌شان انجام داده بود، گم کردند. هنگامی که نویسنده ما در ۲۴:۳۱ خود و مخاطبانش را از آنانی که «تمام عملی که خداوند برای اسرائیل کرده بود دانستند» متمایز کرد، در اصل اشاره می‌کرد که این یک مشکل اصلی برای مخاطبین اولیه او بود.

لازم بود که به مخاطبین اولیه کتاب ما، چه در دوره دوران زندگی می‌کردند، چه در دوره پادشاهی، و یا در دوره تبعید بابل، آنچه که در روزگار یوشع رخ داده بود را یادآوری کرد. بنابراین، در سطحی بنیادی، می‌توانیم بگوییم که نویسنده یوشع نوشت تا به مخاطبان اولیه خود روایتی حقیقی از آنچه بدهد که در روزگار یوشع انجام شده بود.

در وهله دوم، همانطور که خلاصه ما نشان می‌دهد، کتاب یوشع همچنین نوشته شد تا به چالش‌های پیش روی نسل‌های بعدی بپردازد. نویسنده ما به نوعی، بین دو جهان ایستاده بود: «آن جهان» - جهان اسرائیل در روزگار یوشع - و «جهان آنان» - یعنی جهان مخاطبین اولیه. به همین دلیل، نویسنده ما صرفاً یک روایت نوشت که مطابق حقایق تاریخی باشد. او همچنین درباره فتح پیروزمندانه اسرائیل، تقسیم میراث سبطی و فراخوان به وفاداری نسبت به عهد خدا نوشت تا نقاط تماس یا ارتباط معناداری بین «آن جهان» و «جهان آنان» فراهم کند. او نیز مانند دیگر نویسندگان کتاب مقدس، مکرراً به پیشینه‌های تاریخی‌ای اشاره می‌کرد که منشأ امتیازات و مسئولیت‌های فعلی مخاطبین را توضیح می‌دادند. او همچنین نمونه‌هایی برای پیروی یا اجتناب به آنها ارائه کرد. و در چند مورد، روایاتی از دوران یوشع را به عنوان پیش‌سایه‌ای از تجربیات مخاطبین اولیه خود نوشت.

این نوع از ارتباطات چیزی درباره نویسنده ما آشکار می‌کنند که لازم است در نظر داشته باشیم. از یک طرف، او می‌خواست که مخاطبینش به یاد داشته باشند چه اتفاقاتی در روزگار یوشع افتاده است. اما از طرف دیگر،

او نمی‌خواست که آنها دقیقاً به انجام همان کارهایی برگردند که اسرائیل در روزگار یوشع انجام داده بود. مخاطبین اولیه او در زمان متفاوتی زندگی می‌کردند، و احتیاج داشتند که گزارشات تاریخی او را به شیوه‌هایی مناسب زمان خودشان بود، در زندگی خود به کار ببرند.

من باور دارم که مخاطبین اولیه کتاب یوشع عمیقاً تحت تاثیر پیام آن قرار داشتند... تمام وعده‌هایی که خدا داده بود، همه آنها در رابطه با آمدن اسرائیل به سرزمین وعده برای اسرائیلی‌ها محقق شده بودند. هیچکدام از آن وعده‌ها شکست نخوردند. و من فکر می‌کنم که این در اصل برای تعلیم این نکته به مردم است که، خدا وفادار است؛ خدا وفادار بوده و وفادار خواهد ماند. و این به طور خاص در حرکت آنها به سوی زمان داوران اهمیت دارد، چون در زمان داوران آنها را می‌بینیم که به عنوان مردمانی توصیف شده‌اند که آنچه به نظر خودشان درست بود را انجام می‌دادند، اما چیزی که به آن خوانده شده بودند، وفاداری به یهوه بود. و بنابراین، این پیامی برای آنها هست که در پرتو جایی که اکنون هستند، جایی که این نسل حقیقتاً قدم‌های یوشع را دنبال نمی‌کنند، زندگی یوشع و کسانی را می‌بینند که همراه او وفادار بودند. و این فراخوانی برای آنها است که حقیقتاً توبه کنند، و به سوی چیزی برگردند که به آن خوانده شده‌اند.

- دکتر تی. جی. بتز

حال گاهی، مفسرین مدرن در درک اینکه چطور مخاطب اولیه قرار است که این روایت تاریخی را در زندگی خود به کار بگیرد، مشکل دارند. به هر روی، نویسنده ما این موارد را در کتاب خود بیان نکرده است. اما ما باید برخی از دیدگاه‌هایی را به خاطر بسپاریم که نویسنده ما و مخاطبین او از متون مقدس زمان خود آموخته‌اند - یعنی چیزی که ما به عنوان تورات می‌شناسیم. با در نظر داشتن این دیدگاه‌ها، پیامدهای روایت نویسنده ما از «آن جهان» برای «جهان آنان» آنقدرها هم که در ابتدا به نظر می‌رسد دشوار نیست.

فتح پیروزمندان

نحوه آماده‌سازی زمینه برای درک پیامدهای فتح پیروزمندان اسرائیل برای مخاطبین اولیه توسط تورات را در نظر بگیرید. این بخش از کتاب ما، روایتی از پیروزی‌های بزرگ یوشع ارائه می‌دهد. اما سه دیدگاه اساسی در مورد جنگ که از تورات نشئت گرفته، به آنها کمک کرد تا ببینند که چطور باید این بخش از یوشع را به کار ببرند.

درگیری اولیه. در وهله اول، هم نویسنده ما و هم مخاطبین اولیه او می‌دانستند درگیر جنگی هستند که ریشه در درگیری اولیه بین خدا و شیطان داشت. پیدایش ۳: ۱۵ نشان می‌دهد که در سرتاسر تاریخ بشر، بعد از سقوط در گناه، خدا و شیطان در مناقشه بوده‌اند. این درگیری و مناقشه نادیدنی، روی زمین در کشمکش بین ذریت یا نسل

مار - یعنی افرادی که در خدمت قدرت‌های شیطانی هستند - و ذریت یا نسل زن - یعنی مردمانی که خدا را خدمت می‌کنند - خود را نشان می‌دهد. به همین دلیل است که کتاب یوشع درگیری‌های اسرائیل را صرفاً به یک جنگ فیزیکی تقلیل نمی‌دهد. بلکه برعکس، در یوشع ۵: ۱۴ نویسنده ما به فرشته «سردار لشگر خداوند» اشاره کرد. این متن نشان می‌دهد که یوشع و لشگر اسرائیل در نبردی شرکت داشتند که خدا و ارتش فرشتگان او نیز در آن دخیل بودند. و همانطور که متونی مانند یوشع ۲۳: ۱۶ نشان می‌دهند، نویسنده ما همچنین تشخیص داد که خدایان شیطانی کنعانیان نیز در مخالفت با قوم اسرائیل در کنار کنعانیان قرار داشتند. مخاطبین اولیه یوشع نکات زیادی برای آموختن از فتح اسرائیل داشتند، چون درست مانند اسرائیلیان روزگار یوشع، آنها هم می‌دانستند که در این درگیری مداوم بین خدا و شیطان و کسانی که به آنها خدمت می‌کنند، دخیل هستند.

درگیری ویژه اسرائیل. در وهله دوم، تورات همچنین آشکار ساخت که فتح یوشع، درگیری ویژه اسرائیل بود. در حالی که مخاطبین اولیه می‌توانستند نکات زیادی از فتح اسرائیل بیاموزند، اما قرار نبود که آنها و نسل‌های بعدی در تمام جزئیات از آن پیروی و تقلید کنند. تورات روشن ساخت که روزگار یوشع فوق‌العاده بود.

در پیدایش ۱۵: ۱۳-۱۶ خدا به ابراهیم گفت که نوادگان او برای مدتی در مصر بردگی خواهند کرد چون «گناه‌آموربان» - نام دیگری برای کنعانیان - «هنوز تمام نشده است.» اما در زمان فتح یوشع، گناه کنعانیان چنان زنده شده بود که خدا درست مانند نابودی سدوم و عموره در زمان ابراهیم، خواستار نابودی کامل آنها شد.

به همین دلیل است که نویسنده ما به استفاده از واژگان تورات پرداخت و نابودی کنعان را با استفاده از فعل عبری خازام (charam - חָרַם) و موصوف خرم (cherem - חֵרֶם) توصیف کرد. همانطور که یوشع ۶: ۱۷، ۱۹، و ۲۱ نشان می‌دهند، در زمینه فتح یوشع، این اصطلاحات صرفاً به معنای «نابود کردن» نبودند. بلکه آنها به معنای «تعلق کامل به خدا» و «نابود کردن در سرسپردگی به خدا» بود. بنابراین، زمانی که اسرائیلیان در کنعان جنگیدند، این جنگ تصدیق دآوری عادلانه خدا در برابر گناه آشکار کنعانیان بود. و آنها به عنوان یک عمل پرستشی، هرآنچه که فتح کرده بودند را برای احترام به خدا، ویران و وقف او کردند.

ما می‌دانیم که این فرمان برای نابودی کامل و وقف به خداوند در روزگار یوشع، به دلایل متعددی فوق‌العاده بود. یکی از این دلایل این است که در تثبیه ۲۰: ۱۰-۲۰، موسی دستور به نابودی کامل کنعانیان داد، اما همچنین به اسرائیل فرمان داد که با مردمان خارج از سرزمین کنعان، صلح کنند. خود یوشع نیز زمانی که در باب ۹ با جبعونیان، که باور داشت از خارج کنعان آمده بودند وارد صلح شد، این تمایز را تصدیق کرد.

علاوه بر این، ویژگی فوق‌العاده فتح یوشع زمانی آشکار می‌شود که به یاد بیاوریم چگونه درگیری مداوم بین خدا و شیطان، چه پیش و چه پس از یوشع، شکل‌های متفاوتی داشت. به عنوان چند نمونه، پیش از یوشع، در پیدایش ۱۱: ۹-۱۰ خدا و لشگر آسمانی او در برج بابل به جنگ با انسان‌های سرکش رفتند. اما این کار را بدون ارتش انسانی انجام دادند و صرفاً مردم را پراکنده ساختند. در پیدایش ۱۴: ۱-۲۴، ابراهیم به کمک خدا جنگید، اما خدا

دستور نابودی کامل دشمنان ابراهیم را صادر نکرد. در خروج ۱۲:۱۲، می‌آموزیم که خدا در طول بلاهای مصر، به جنگ با مصریان و خدایان آنها رفت. اما اسرائیل منفعل بود و خدا همهٔ مصری‌ها را نکشت. در باب ۱۴ خروج، در ریای سرخ، اسرائیل مطیعانه از خدا در نحوهٔ جنگ پیروی کرد، اما این خدا بود که ارتش مصر را نابود ساخت. تنوع مشابهی در ایام پس از یوشع نیز به چشم می‌خورد. همانطور که کتاب سموئیل توضیح می‌دهد، داوود توسط کمک خارق‌العادهٔ خدا با بسیاری از دشمنان اسرائیل جنگید. اما خدا همهٔ دشمنانش را به نابودی مطلق نسپرد. کتاب پادشاهان نشان می‌دهد که همین مسئله در مورد بسیاری از نسل‌های نوادگان سلطنتی داوود نیز صادق بود. و انبیای اسرائیل پیش‌بینی کردند که پایان تبعید اسرائیل در ارتباط با جنگ، از طریق مداخلهٔ بی‌رقیب و معجزه‌آسای الاهی آشکار خواهد شد.

همانطور که می‌توانیم ببینیم، درگیری مداوم بین خدا و شریر از راه‌های مختلفی در تورات و سرتاسر عهد عتیق آشکار شده است. این به ما دربارهٔ حقیقتی هشدار می‌دهد که فتح یوشع در مقایسه با سایر جنگ‌ها، عادی نبود. البته، مخاطبین اولیه می‌توانستند امور زیادی دربارهٔ نبرد و جنگاوری در روزگار خودشان از یوشع بیاموزند. اما این فتح به خودی خود، هنگام یک داورى فوق‌العاده بود. بر خلاف جنگ‌های دیگر، خدا در آن زمان چنین تعیین کرد که همهٔ کنعانیان — به غیر از استثنائاتی مانند راحاب — به طور کامل مستحق نابودی مطلق هستند.

گناه کنعانیان به تدریج در طول زمان افزایش پیدا کرد تا زمانی که به طور مشخص شنیع و فجیع شد. در کتاب پیدایش اشاره‌ای وجود دارد، در باب ۱۵ پیدایش، که به باور من اشاره می‌کند گناه اموریان به حد کامل خود می‌رسد. تا آن زمان، قوم خدا زمین را تصاحب نخواهند کرد. بنابراین، این تصور در کتاب مقدس وجود دارد که گویی خدا در حال تماشای زوال کنعانیان است و وقتی که این زوال آنها به نقطهٔ خاصی برسد، عدالت او جاری خواهد شد. ابزار عدالت او قوم اسرائیل است، اما نه چون قوم اسرائیل اخلاقیات خیلی درستی داشتند یا هر چیز دیگری از این دست. آنها قوم بسیار کوچکی هستند. آنها تن به گناهان بزرگی دادند، که حتی در نسل قبل از روی کار آمدن یوشع هم دیده‌ایم، و حتی در فتح آنها هم گناه وجود دارد. اما حقیقت مسئله این است که خدا، در فیض خود، این قوم کوچک را به سوی خودش فرا خوانده و از آنها برای نابودی و حذف قوم دیگری استفاده می‌کند که اگر به آنها اجازهٔ باقی ماندن و ادامهٔ حیات در آنجا داده شود، این قوم را به فساد می‌کشاند. و این دلیل دیگری است که خدا اجازه می‌دهد قوم اسرائیل به کنعان برود و آنها باید همهٔ کسانی که آنجا زندگی می‌کردند را از بین می‌بردند. خدا نمی‌خواست که قوم او با اعمال دینی، بت‌پرستی، و گناه مردمی که در آنجا زندگی می‌کنند فاسد بشوند و نمی‌خواست که قوم او از اقوام اطرافشان الگو بگیرند. خدا می‌خواست که قومش از او به عنوان پادشاهشان پیروی کنند. و بنابراین، قوم اسرائیل وارد شدند و البته، ماموریتی که به آنها سپرده شده بود را انجام ندادند. و بنابراین، حتی درون کتاب یوشع، ما می‌توانیم صدای آن را بشنویم، صدای چیزی که در کتاب بعدی — کتاب داوران — بلندتر می‌شود؛ جایی که قوم

اسرائیل به طور فزاینده‌ای فاسد می‌شوند و بیشتر و بیشتر در گرداب گناه و زوال فرو می‌روند، کمتر صاحب ویژگی‌های کسانی هستند که با خدا در عهد قرار دارند و هرچه بیشتر به ملت‌های اطراف‌شان شباهت پیدا می‌کنند، همه آن چیزهایی که خدا می‌خواست با فرمان به اسرائیلیان برای رفتن به آنجا و نابود کردن ساکنان آنجا، از آنها جلوگیری کند.

- کشیش کوین لابی

پیروزی آینده پادشاه اسرائیل. در وهله سوم، نویسنده ما این را نیز از تورات می‌دانست که فتح یوشع تنها یک قدم به سوی پیروزی آینده پادشاه اسرائیل بود - پادشاه موعودی که تا ابد بر جهان سلطنت خواهد کرد. پیش‌تر یعقوب پاتریارک در پیدایش ۴۹: ۱۰ اعلام کرده بود که خانواده سلطنتی یهودا، «اطاعت امت‌ها» را دریافت خواهد کرد. در دوره داوران، این امید به سلسله سلطنتی یهودا با نقش راهبری‌ای که در داوران ۱: ۱، ۲ به این سبط داده شد، مورد تصدیق قرار گرفت. در دوران پادشاهی، تحقق این انتظار به ویژه با خاندان داوود و در متونی مانند مزمو ۷۲ مشخص شد. و در بسیاری از متون، انبیای اسرائیل پیش‌گویی کردند که تبعید با پیروزی فرزند ارشد داوود بر تمام اقوام، پایان خواهد یافت.

بنابراین، مانند اسرائیلیان در روزگار یوشع، مخاطبین اولیه می‌دانستند که بخشی از چیزی بسیار بزرگتر و فراتر از خودشان هستند. و به همین دلیل، آنها هرگز نباید به آنچه که یوشع انجام داد بر می‌گشتند. آنها باید همزمان با اینکه خدا تاریخ را به سوی پیروزی جهان‌شمول پادشاه اسرائیل در آینده پیش می‌برد، آنچه که در فتح کنعان روی داد را در زندگی خودشان به کار می‌گرفتند.

میراث سبطی

نویسنده ما انتظار داشت که مخاطبین او، دیدگاه‌های الاهیاتی مشابهی در مورد بخش دوم کتابش، درباره میراث سبطی اسرائیل داشته باشند.

تسلط اولیه بشری. در وهله اول، او از کتاب‌های موسی می‌دانست که تصرف کنعان به دست اسرائیل، ریشه در فراخوان اولیه خدا برای تسلط انسان بر زمین داشت. خدا از زمان‌های آغازین اینطور مقرر کرده بود که تصویرهای وفادار او زمین را پر کنند و تحت تسلط خود در بیاورند و بدین ترتیب زمین به پادشاهی او تبدیل شود. این فراخوان، نخست در پیدایش ۱: ۲۶-۳۰ گزارش شد و بعدتر در پیدایش ۹: ۱-۳ مورد تأیید قرار گرفت. بنابراین، روایت میراث سبطی اسرائیل در کتاب یوشع واضحاً به مخاطب اولیه ارتباط پیدا می‌کرد. مخاطب اولیه نیز مانند اسرائیلیان زمان یوشع خوانده شده بود تا در ماموریت خدا به بشریت برای تسلط بر زمین شرکت کند.

میراث ویژه اسرائیل. در وهله دوم، نویسنده ما به درستی از تورات متوجه شد که خدا میراث ویژه‌ای برای اسرائیل مقرر ساخته بود. و تقسیم زمین بین اسباط اسرائیل در روزگار یوشع، نشان‌دهنده تحقق اولیه این میراث بود. برای نمونه، در پیدایش ۱۵: ۱۸-۲۱ خدا به ابراهیم وعده میراثی برای نوادگان او را داد که گستره آن از مرز مصر تا به رود فرات بود. بنابراین، کتاب یوشع با اقتباس از دایره واژگان تورات، غالباً با استفاده از فعل عبری «ناخال» (נָחַל - nachal) به معنی «به ارث بردن» و اسم «ناخال» (נַחְלָה - nachalah) به معنای «میراث»، به تصرف زمین اسرائیل توسط آنها اشاره می‌کند. اصطلاح‌شناسی این واژگان نشان می‌دهد که زمین اسرائیل، ملک ماندگاری از طرف خدا بود.

به همین دلیل، مخاطبین اولیه از آنچه یوشع در تقسیم میراث سبطی آنها انجام داده بود، نکات زیادی برای یادگیری داشتند. در دوره داوران، ناهماهنگی میان اسباط و مشکلات از طرف اقوام دیگر، موفقیت‌های یوشع را مختل کردند. در دوره پادشاهی، پادشاهان اسرائیل مرزهای سرزمین را گسترش دادند، اما شکست‌ها و زیان‌هایی را هم تجربه کردند. و البته، در طی تبعید بابلی، فقط بقیت کوچکی از قوم خدا در سرزمین خود باقی ماندند. و تنها تحت حکومت ستمگرانه اقوام دیگر در آنجا ماندند. بنابراین، تقسیم میراث سبطی اسرائیل به دست یوشع، به مخاطبان اصلی که در پی زندگی برای خدمت به خدا در روزگار خود بودند، بینش بزرگی می‌بخشید.

میراث آینده پادشاه اسرائیل. در وهله سوم، نویسنده ما همچنین می‌دانست که میراث اسرائیل از کنعان، تنها یک به سوی میراث آینده پادشاه اسرائیل است. در زمان مقرر، پادشاه بزرگ و عادل اسرائیل با تحقق فراخوان اولیه بشریت به تسلط بر کل زمین، هر سرزمین و قومی را تصاحب می‌کرد. همانطور که اشاره کردیم، پیدایش ۴۹: ۱۰ اعلام می‌کند که روزی یک پسر سلطنتی از یهودا حکمرانی خواهد کرد تا «اطاعت امت‌ها» را دریافت کند. به علاوه، در پیدایش ۱۷: ۴ خدا به ابراهیم وعده داد که، «تو پدر امت‌های بسیار خواهی بود.» به همین دلیل است که در مزمور ۲: ۸ خدا به طور خاص به خاندان داوود می‌گوید، «امت‌ها را به میراث تو خواهم داد و اقصای زمین را ملک تو خواهم گردانید.» انبیای اسرائیل بارها اعلام کردند که سرزمین پسر ارشد داوود از یک سوی زمین تا به سوی دیگر آن گسترده خواهد بود. و پولس در رومیان ۴: ۱۳، زمانی که نوشت به ابراهیم و ذریت او وعده داده شد که وارث جهان خواهند بود، این دیدگاه‌های عهد عتیق را خلاصه کرد. پیامدها برای مخاطبین اصلی نویسنده ما روشن و واضح بودند. آنها باید آنچه را که در کتاب یوشع می‌خوانند، در طریق‌هایی که خدا قوم خود را در زمان آنها به سوی هدف این میراث جهان‌شمول هدایت می‌کرد، اعمال می‌کردند.

در باب ۴ رومیان می‌بینیم که پولس رسول، وعده وراثت ابراهیم و فرزندانش را در مقیاس تمام جهان تفسیر می‌کند. و این ممکن است در نگاه اول ما را شگفت‌زده کند. ما سرزمین وعده را تنها باریکه‌ای از زمین در امتداد کناره شرقی دریای مدیترانه می‌دانیم. اما این واقعا بخشی از راهی است که پولس عهد ابراهیمی را به شکل جهانی و جهان‌شمول

درک می‌کند. بنابراین او اغلب دربارهٔ ذریت و فرزندان ابراهیم صحبت می‌کند که نه فقط فرزندان بیولوژیکی و جسمی او هستند بلکه کسانی هستند که حقیقتاً در اثر قدم‌های ابراهیم، یعنی قدم‌های ایمان، راه می‌روند و کسانی هستند که به وعده‌های خدا ایمان دارند. در حقیقت، پولس تأکید می‌کند که نه تنها یهودیان، بلکه غیر یهودیانی هم که به مسیح ایمان می‌آورند، بر طبق وعدهٔ خدا – پایان باب ۳ غلاطیان – نوادگان و وارثان ابراهیم هستند. بنابراین، وقتی که پولس در باب ۴ رومیان از وعده‌هایی می‌گوید مبنی بر اینکه فرزندان ابراهیم با ایمان وارث تمام جهان خواهند شد، در واقع همین درک را بسط می‌دهد.

– دکتر دنیس جانسون

وفاداری به عهد

درست مانند بخش‌های اول و دوم کتاب ما، نویسندهٔ یوشع از مخاطبین اولیهٔ خود انتظار داشت که در به‌کارگیری بخش سوم کتاب، یعنی فراخوان اسرائیل برای وفاداری به عهد، دیدگاه‌های الاهیاتی خاصی از تورات را در نظر داشته باشند.

وفاداری اولیهٔ بشر. در وهلهٔ اول، از تورات اینطور درک کرده بود که وفاداری به عهد، در الزام اولیهٔ وفاداری بشر به خدا ریشه داشت. صرف تصویرهای خدا بودن، ما را از طریق عهد به خدا وابسته می‌سازد و این عهد، مستلزم خدمت وفادارانه به اوست. عهد خدا با تمام بشریت در آدم، همانطور که در باب‌های ۱-۳ پیدایش و هوشع ۶: ۷ نشان داده شده، مستلزم اطاعت بود. و عهد خدا در نوح، در باب ۶ و ۹ پیدایش، نشان داد که همهٔ انسان‌ها به وسیلهٔ عهد، به خدمت خدا ملزم هستند. از آنجا که این نکات در مورد همهٔ مردم در همهٔ زمان‌ها صدق می‌کند، مخاطبین اولیه می‌توانستند چیزهای زیادی از فراخوان یوشع برای وفاداری به عهد بیاموزند. آنها هم مانند سایر انسان‌ها، موظف به خدمت وفادارانه به خدا بودند.

وفاداری ویژهٔ اسرائیل به عهد. در وهلهٔ دوم، مخاطبین اولیه همچنین می‌بایست از وفاداری ویژهٔ اسرائیل به عهد هم آگاه می‌بودند. نویسندهٔ ما مراقب بود به ذکر این نکته بپردازد که یوشع در زمان فتح، قوم را تشویق کرد که به عهد خدا وفادار بمانند. و قوم نیز سوگند یاد کردند که چنین کنند.

مخاطبین اولیه از عهد خدا با ابراهیم در باب ۱۷ پیدایش آگاه بودند. در اینجا خدا ختنه را به عنوان یک تعهد برای بی‌ملامت بودن در حضور خود، الزامی ساخت. و عهدی که خدا در موسی منعقد کرد – در باب‌های ۱۹ تا ۲۴ خروج – و آن را در کتاب تثنیه تجدید کرد، روشن ساخت که اسرائیل باید از شریعت موسی اطاعت کند. اکنون در سومین بخش از کتاب ما، بر رنج‌هایی متمرکز شد که اگر اسرائیل این الزامات را برآورده نکنند، به ویژه الزام رد خدایان دروغین، شامل حال اسرائیل می‌شد. و احتمال مشکلات، شکست و تبعید از سرزمین وعده در صورت عدم وفاداری را پیش روی آنها قرار داد.

در زمان مخاطبین اصلی کتاب، این رنج‌ها شروع به آشکار شدن کرده بودند. در دوره داوران، اسرائیل وارد چرخه مشکلات شده بود. طی دوره پادشاهی، به خاطر بت‌پرستی‌های مکرر قوم و پادشاهان‌شان، داوری‌های بیشتری بر اسرائیل اعمال شد. و طی دوره تبعید بابلی، خطر از دست دادن سرزمین وعده به واقعیتی وحشتناک تبدیل شده بود. بنابراین، مخاطبان اصلی باید هشدارهای یوشع به اسرائیل را در پرتو داوری‌های خدا که در زمان خود با آن مواجه بودند، در نظر می‌گرفتند.

عهد آینده با پادشاه اسرائیل. در وهله سوم، آنچه در زمان یوشع اتفاق افتاد همچین پیش‌بینی می‌کرد که خدا در آینده عهدی با پادشاه اسرائیل خواهد بست. ما می‌دانیم که پیدایش ۴۹: ۱۰ نشان می‌دهد که خدا مقرر ساخت تا پادشاهی از یهودا حکمرانی کند. و همچین پیدایش ۱۷: ۶ نشان می‌دهد که اسرائیل پادشاهی خواهد داشت. اگرچه اسرائیل در دوره داوران یک پادشاه قانونی نداشت، اما متونی مانند داوران ۲۱: ۲۵ و پایان سرود حنا در اول سموئیل ۲: ۱۰ نشان می‌دهد که حتی در آن دوران، افراد وفادار در پی نجات از طریق خاندان سلطنتی اسرائیل بودند.

حال اگر کتاب یوشع در زمان پادشاهی اسرائیل یا در دوران تبعید بابلی نوشته شده باشد، مخاطبین اولیه باید فراخوان یوشع برای وفاداری به عهد را به عهد سلسله‌ای خدا با داوود ربط بدهند. در متونی مانند دوم سموئیل باب ۷ و مزامیر ۸۹ و ۱۳۲، می‌بینیم که چطور عهد خدا با داوود بر لزوم وفاداری تمرکز داشت. خاندان سلطنتی داوود می‌بایست به خدا وفادار می‌بود، چون آنها نماینده قوم اسرائیل در حضور خدا بودند.

به علاوه، بر طبق نبوت اشعیا ۵۳: ۱۱، در آینده به دلیل مرگ کفاره‌ای بنده عادل و خادم خداوند، پادشاه کاملاً عادل اسرائیل، بخشش ابدی محقق می‌شد. و این پادشاه بزرگ کسی به جز عیسی نیست؛ مسیحی که عهد تازه پیشگویی شده در ارمیا ۳۱ را جامه تحقق پوشاند. این عهد در زمانی که مسیح برگردد و همه چیز را تازه سازد، در کمال خود ظاهر خواهد شد. هنگامی که مخاطبان اولیه، فراخوان یوشع برای وفاداری به عهد را در زمان خود اعمال می‌کردند، باید این کار را در پرتو جایگاه‌شان در تحولات عهدهایی که خدا با قوم خود بسته بود انجام می‌دادند. بنابراین، همزمان با اینکه ما به دنبال درک معنای اصلی کتاب یوشع هستیم، باید همیشه در نظر داشته باشیم که نویسنده ما می‌خواست مخاطبانش آنچه در زمان یوشع اتفاق افتاده را بدانند. اما او همچین می‌خواست که آنها گزارش او از فتح پیروزمندانه، میراث سبطی، و فراخوان برای وفاداری به عهد را از راه‌هایی که برای زمان و شرایط خودشان مناسب بود، به کار ببرند.

تا به اینجا در مقدمه‌مان بر کتاب یوشع، به نویسندگی و تاریخ آن و همچین طرح و هدف اصلی آن نگاه کردیم. اکنون در موقعیتی هستیم که به معرفی سومین موضوع عمده این درس، یعنی کاربرد مسیحی، بپردازیم. کتاب یوشع باید چه تاثیری بر زندگی ما در حین پیروی از مسیح داشته باشد؟

کاربرد مسیحی

در زبان عبری نام «عیسی»، «یوشع» است. این حقیقت ساده به ما یادآوری می‌کند که از یک دیدگاه مسیحی، عیسی آنچه را که در روزگار یوشع آغاز شد، محقق یا کامل می‌کند. و از بسیاری جهات، به‌کارگیری کتاب یوشع در زندگی ما نیز از این تحقق در مسیح سرچشمه می‌گیرد. هرچه بیشتر ما این ارتباط بین کتاب یوشع و عیسی را درک کنیم، بیشتر می‌توانیم تاثیری که این کتاب باید بر ما به عنوان پیروان مسیح داشته باشد را درک کنیم. همانطور که دیدیم، نویسنده کتاب ما دربارهٔ فتح پیروزمندان اسرائیل، میراث سبطی، و وفاداری به عهد تحت راهبری یوشع نوشت تا نسل‌های آینده اسرائیل را راهنمایی کند. اما نویسنده ما همچنین درک کرده بود که زمانی در آینده، پادشاه بزرگ اسرائیل ظهور خواهد کرد و او به تمام اهدافی که در کتاب یوشع به آنها اشاره شده، دست خواهد یافت.

وقتی که یوشع نبردهای پیروزمندانه را فرماندهی می‌کرد، او در حال راهبری قوم به فتح سرزمین وعده بود. وقتی آنها قصوری ورزیدند و گناه کردند، او از طرف قوم برای‌شان شفاعت کرد. او برای قوم شفاعت کرد و بعد قوم وعده را به سرزمین وعده هدایت کرد. همهٔ اینها تصویری از عیسی مسیح خداوند هستند. همانطور که در باب ۴ عبرانیان نوشته شده، مسیح قوم خدا را به سوی میراث موعودشان راهبری کرد. او از قوم خدا دفاع می‌کند، برای قوم دعا می‌کند، برای قوم شفاعت می‌کند، و برای قوم عهد جدید، که کلیسای عیسی مسیح خداوند هستند، کار کاهن اعظم را انجام می‌دهد. همهٔ اینها تصویری است که برای زمان عهد جدید طراحی شده است.

- کشیش هنریک تورکانیک

به طور کلی، عیسی به عنوان مسیح اسرائیل، این اهداف را از دو طریق عمده محقق می‌کند. نخست، وقتی عیسی را با کارهای نیکویی که اسرائیل در زمان یوشع انجام داد مقایسه می‌کنیم - فتح کنعان، میراث اولیهٔ سرزمین وعده، و خدمت عهدی وفادارانهٔ اسرائیل به خدا - می‌توانیم ببینیم که عیسی چطور همهٔ اینها را بسط می‌دهد و در نهایت هر هدف را محقق می‌کند. و دوم، وقتی که دستاوردهای عیسی را با شکست‌های اسرائیل مقایسه می‌کنیم - ناتوانی آنان در نابودسازی تمام کنعانیان طبق دستوری که داشتند، بحث و جدل‌شان دربارهٔ میراث سبطی، و قصورشان در وفادار ماندن به عهد خدا - می‌توانیم ببینیم که عیسی در حقیقت تمام قصورات و شکست‌های اسرائیل را معکوس می‌کند. و به این شکل، عیسی همهٔ زمین را به طور پیروزمندانه فتح می‌کند، وارث همه چیز است، و وفاداری به عهد را در همه جای زمین برقرار می‌سازد.

اما برای درک چگونگی کاربردهای مسیحی کتاب یوشع در زمان حاضر، باید نکته‌ای را به یاد داشته باشیم: خدا اینطور تعیین کرد که تحقق مسیحایی این اهداف در طول زمان رخ بدهند.

بر اساس پیشگویی عهد عتیق، بسیاری از یهودیان در فلسطین قرن اول به درستی باور داشتند که ماشیح در یک فتح جهانی پیروز خواهد شد، جهان را به ارث خواهد برد، و وفاداری به عهد را در همه جا گسترش خواهد داد. اما این یهودیان همچنین معتقد بودند که او این کار را سریع و فاجعه‌بار انجام خواهد داد. در مقابل، عیسی و نویسندگان عهد جدید بارها و بارها توضیح دادند که پادشاهی برقرار شده به دست عیسی، در سه مرحله به هم پیوسته آشکار خواهد شد.

ما با نگاهی جداگانه به هر مرحله از پادشاهی، با کاربرد مسیحی کتاب یوشع آشنا خواهیم شد.

تاسیس

نخست، با بررسی آنچه عیسی در تاسیس پادشاهی خود انجام داد در نظر خواهیم گرفت که چطور انتظارات ایجاد شده در کتاب یوشع را محقق ساخت. دوم، خواهیم دید که چطور در تداوم پادشاهی خود، کتاب یوشع را محقق می‌کند. و سوم، به کاوشی در آنچه که عیسی در دوره تکمیل پادشاهی‌اش در زمان بازگشت پرچال خود انجام خواهد داد می‌پردازیم. ابتدا تاسیس پادشاهی مسیح را در نظر می‌گیریم.

فتح پیرومندان

عهد جدید در بسیاری از قسمت‌ها تعلیم می‌دهد که تاسیس پادشاهی خدا توسط عیسی، مرحله اولیه فتح پیرومندان و پرچال جهانی او بود. اما زمانی که فتح پیرومندان اسرائیل در کتاب یوشع را با ظهور اول عیسی مقایسه می‌کنیم، تفاوت واضحی را می‌بینیم. عیسی به جای آنکه مانند یوشع یک شمشیر فیزیکی به دست بگیرد، از یک راهبرد دو جنبه پیروی کرد: او شکست غایی شیطان و دیوهای او را آغاز کرد. و همچنین انجیل یا «خبر خوش» پادشاهی را با هشدار به انسان‌ها درباره داوری آینده و ارائه رحمت خدا به آنها، اعلام کرد.

عیسی در یوحنا ۱۲: ۳۱، ۳۲ این راهبرد دو جنبه را توصیف کرد و گفت: «رییس این جهان بیرون افکنده می‌شود و من... همه را به سوی خود خواهم کشید.» به همین دلیل است که پولس رسول در کولسیان ۲: ۱۵ مرگ عیسی را به عنوان زمانی توصیف کرد که، «ریاسات و قوات را بیرون کرده... بر آنها ظفر یافت.» و باز به همین دلیل است که پولس در افسسیان ۴: ۸ گفت، «چون او به اعلی‌ترین صعود نمود، اسیری را» از میان مردمانی که به پادشاهی شیطان خدمت کردند «به اسیری برد» و «بخشش‌ها به مردم داد.»

میراث سبطی

عهد جدید همچنین بر دو دیدگاه تاکید می‌کند که چطور تاسیس پادشاهی مسیح، امید یک میراث جهانی برای قوم خدا را محقق ساخت. از یک سو، عبرانیان ۱: ۲ توضیح می‌دهد که، «[خدا] به ما به وساطت پسر خود

متکلم شد که او را وارث جمیع موجودات قرار داد.» در متی ۲۸: ۱۸ وقتی که عیسی به شاگردان خود گفت، «تمامی قدرت در آسمان و بر زمین به من داده شده است»، به آنها می‌گفت که این میراث را دریافت کرده است. از سوی دیگر، عهد جدید همچنین تاکید می‌کند که وقتی عیسی روح‌القدس را بر کلیسا نازل کرد، بیعانه‌ای از این میراث جهانی خود را تقسیم کرد. همانطور که نبوت‌هایی مانند اشعیا ۴۴: ۳-۴ نشان می‌دهند، نزول روح‌القدس روزی همه آفرینش را تازه خواهد ساخت. بنابراین، پولس در افسسیان ۱: ۴ از نزول روح‌القدس بر کلیسا به عنوان «تضمین میراث ما» صحبت می‌کند. و همانطور که در دوم قرنتیان ۱: ۲۲ و ۵: ۵ می‌گوید، روح‌القدس «بیعانه» چیزی است که در آینده خواهد آمد - یعنی میراث آینده ما در زمین و آسمان جدید.

وفاداری به عهد

به علاوه، عهد جدید اعلام می‌کند که تاسیس پادشاهی مسیح در زمانی که او عصر عهد تازه را آغاز کرد، بر وفاداری به عهد تاکید داشت. عیسی با اشاره به نبوت درباره عهد تازه در ارمیا ۳۱، در لوقا ۲۲: ۲۰ به شاگردان خود گفت، «این پیاله، عهد جدید است در خون من». و نویسندگان عهد جدید روشن ساختند که عیسی داوری ابدی خدا را روی صلیب به عنوان کفاره نهایی برای ایمانداران واقعی به دوش کشید. اما باید به یاد داشته باشیم که عیسی در ظهور اولیه خود، عهد تازه را بر زمین به کمال آن نرساند. بنابراین، او و رسولان و انبیای او همچنان حتی به ایمانداران واقعی فرمان دادند که به خدا وفادار بمانند، چون ما کاملاً تقدیس نشده‌ایم. و فراتر از این، همانطور که پولس در دوم قرنتیان ۱۱: ۲۶ و غلاطیان ۲: ۴ از این عنوان استفاده کرد، «برادران کذبه» در میان ما وجود دارند. فراخوان برای وفاداری به عهد هنوز هم ادامه دارد، چون ما منتظریم تا عهد تازه به طور کامل محقق شود.

تداوم

از بسیاری جهات، کاربردهای مسیحی ما از کتاب یوشع در رابطه با تاسیس پادشاهی، در موازات مواردی است که عهد جدید در مورد تداوم پادشاهی مسیح نیز به ما تعلیم می‌دهد.

فتح پیروزمندانه

عهد جدید، تداوم پادشاهی عیسی را به عنوان زمانی توصیف می‌کند که طی آن فتح پیروزمندانه او از طریق روح او که در کلیسا عمل می‌کند، در سرتاسر جهان گسترش خواهد یافت. همانطور که پولس در اول قرنتیان ۱۵: ۲۵ گفت، عیسی «مادامی که همه دشمنان را زیر پای‌های خود نهد، می‌باید [در آسمان] سلطنت بنماید.» اما

ما در ماموریت‌مان به عنوان کلیسا، بیش از عیسی و رسولان و انبیای او سلاح فیزیکی به دست نمی‌گیریم. در عوض، ما با همان راهبرد دو جنبه‌ای ادامه می‌دهیم که عیسی در ظهور اولیه خود برقرار کرد. از یک سو، ما شکست شیطان و ارواح شریر را هرچه بیشتر، در نقاط مختلف دنیا گسترش می‌دهیم. همانطور که افسسیان ۶: ۱۲ به ما می‌گوید، «ما را کشتی گرفتن با خون و جسم نیست بلکه با... جهان‌داران این ظلمت و با فوج‌های روحانی شرارت در جای‌های آسمانی.» و از سوی دیگر، ما با اعلام خبر خوشی که به انسان‌ها دربارهٔ داوری آیندهٔ خدا هشدار می‌دهد و رحمت و بخشش و حیات جاودان به آنها ارائه می‌کند، نمایندگان مسیح در جهان امروز هستیم. همانطور که دوم قرنتیان ۵: ۲۰ می‌گوید، «برای مسیح ایلچی هستیم... به خاطر مسیح استعدا می‌کنیم که با خدا مصالحه کنید.»

میراث سبطی

ما همچنین می‌بینیم که انتظارمان برای میراث جهانی قوم خدا در طول تداوم پادشاهی او در تاریخ کلیسا، بیشتر می‌شود. این حقیقت که عیسی وارث منصوب خدا برای همه چیز است، بیشتر و بیشتر آشکار شده چون مردم در همه جا او را به عنوان خداوند می‌پذیرند. و مسیح نیز به تقسیم بیعانهٔ روح‌القدس به مردمان بیشتر و بیشتری در سرتاسر جهان ادامه می‌دهد. همانطور که متونی مانند غلاطیان ۳: ۲۹ به ما می‌گویند، «اگر شما از آن مسیح می‌باشید... بر حسب وعده وارث هستید.» در رومیان ۸: ۱۷ می‌خوانیم، «وارثان... هستیم، یعنی ورثهٔ خدا و هم‌ارث با مسیح.»

وفاداری به عهد

از بسیاری جهات، می‌توانیم ببینیم که چطور تاکید یوشع بر وفاداری به عهد نیز در طول تداوم پادشاهی مسیح صادق است. همچنان که کلیسا در سراسر جهان گسترش پیدا می‌کند، هنوز نیز کفارهٔ کامل خون عهد تازه گناهان همهٔ کسانی که از ایمان نجات‌بخش برخوردارند را می‌پوشاند. آنانی که در مسیح هستند، مقدر شده‌اند تا کاملاً از داوری ابدی آزاد باشند. اما هنوز هم برای کلیسا در تمام اعصار مهم است که به وفاداری به عهد خوانده شود.

از یک طرف، ایمانداران حقیقی هنوز احتیاج دارند که در سرسپردگی خود به خدا رشد کنند. آنها باید هشدارهای متونی مانند عبرانیان ۱۲: ۱۴ را جدی بگیرند که می‌گوید، «در پی سلامتی با همه بکوشید و تقدسی که به غیر از آن هیچ کس خداوند را نخواهد دید.» و از طرف دیگر، لازم است به برادران کذب‌های که هنوز در میان ما هستند هشدار داده شود تا توبه کنند و نجات بیابند. همانطور که عبرانیان ۱۰: ۲۶-۲۷ می‌گوید، «بعد از پذیرفتن

معرفت راستی اگر عمدا گناهکار شویم، دیگر قربانی گناهان باقی نیست، بلکه انتظار هولناک عذاب و غیرت آتشی که مخالفان را فرو خواهد برد.»

مضمون وفاداری به عهد و تجدید یکی از موضوعات مهم در کتاب یوشع است. تقریباً بعد از هر جنگی که یوشع قوم را در کتاب یوشع فرماندهی کرد، می‌بینیم که یک مراسمی برای تجدید عهد و وفاداری به خدا در زمینه عهد وجود دارد... این مضمون برای ما به عنوان مسیحیان بسیار مهم است چون ما هم در یک عهد با خداوند قرار داریم — عهد تازه‌ای که مسیح با خون خود با ما بست. مضمون وفاداری به عهد مربوط به کاری است که خداوند انجام داد، به رحمت خداوند، و به فیض خداوند. بنابراین، همانطور که خداوند به اسرائیل رحمت نشان داد و وعده‌های خود به آنان را محقق ساخت، برای یوشع مهم بود که اهمیت وفاداری و پایبندی به خداوند در عهد را به قوم یادآوری کند. دقیقاً همین مورد برای ما هم صادق است. خداوند در مسیح به ما رحمت نشان داد، و ما از طریق عمل فیض او نجات پیدا کردیم. در نتیجه، ما باید به خداوند وفادار باشیم و این باید در اطاعت ما نشان داده شود، که به معنای اطاعت از فرامین و احکام است. وقتی که ما یک زندگی مطیعانه، پایبندانه، و وفادارانه داریم، شکرگزاری خود نسبت به آنچه که خداوند از ابتدا برایمان انجام داده را ابراز می‌کنیم. خداوند کسی است که قدم اول در عهد را بر برکت دادن و رحمت نشان دادن به ما بر می‌دارد و ما با اطاعت‌مان در بستر عهد، به این برکات و رحمت‌ها واکنش نشان می‌دهیم.

– کشیش شریف گندی

تکمیل

پس از اینکه دیدیم چطور کاربرد مسیحی کتاب یوشع در تاسیس و تداوم پادشاهی در حال آشکار شدن مسیح پدیدار می‌شود، باید خلاصه‌وار به تکمیل پادشاهی بپردازیم. چگونه باید امیدمان به آینده و تحقق نهایی مسیح را در پرتو کتاب یوشع به کار بگیریم؟

فتح پیروزمندانه

جای پریشی نیست که عهد جدید نشان می‌دهد تکمیل پادشاهی مسیح، پایان عظیم فتح پیروزمندانه جهانی او خواهد بود. او شکست شیطان و ارواح شریر را تکمیل خواهد کرد. و زمانی که عیسی در جلال برگردد، زمان رحمت خدا نسبت به غیر ایمانداران پایان خواهد یافت. در آن زمان، داوری خدا علیه کنعان در مقابل داوری‌ای

که عیسی علیه هر دشمن بشری خدا خواهد آورد، کوچک به نظر خواهد رسید. همانطور که در مکاشفه ۱۹: ۱۴، ۱۵ می‌خوانیم، «لشکرهایی که در آسمانند... از عقب او می‌آمدند. و از دهانش شمشیری تیز بیرون می‌آید تا به آن امت‌ها را بزند.»

میراث سبطی

واضح است که وقتی عیسی در زمان تکمیل پادشاهی خود برگردد، میراث جهانی او – یعنی حق او به عنوان وارث همه چیز – به طور کامل محقق خواهد شد. همانطور که ما در مکاشفه ۱۱: ۱۵ می‌خوانیم، «سلطنت جهان از آن خداوند ما و مسیح او [خواهد] شد.» و این پادشاهی جهانی در میان همهٔ آنانی که مسیح را پیروی می‌کنند، تقسیم خواهد شد. مطابق متی ۲۵: ۳۴، در روز داوری نهایی، «پادشاه به [آنانی که به مسیح ایمان دارند] گوید: "بیاید... و ملکوتی را که از ابتدای عالم برای شما آماده شده است، به میراث گیرید."»

وفاداری به عهد

و تنها در تکمیل پادشاهی مسیح است که هشدارها به قوم خدا برای وفاداری به عهد پایان می‌گیرند. وقتی که مسیح برگردد، آنانی که در ایمانی نجات‌بخش به نزد او نیامدند، تحت داوری ابدی خدا قرار خواهند گرفت. و همهٔ آنهایی که ایماندار حقیقی هستند وارد آفرینش جدید خواهند شد که در آنجا برکات عهد تازه به طور کامل دریافت می‌شوند. همانطور که مکاشفه ۲۲: ۳ به ما می‌گوید، در آن زمان، «دیگر هیچ لعنت نخواهد بود و تخت خدا و بره در آن خواهد بود و بندگانش او را عبادت خواهند نمود.»

در واقع، عهد جدید ما را فرا می‌خواند تا به یاد بیاوریم که چطور مسیح مضامین یوشع را در تاسیس، تداوم، و تکمیل پادشاهی خود محقق می‌کند. وقتی به یاد می‌آوریم، فتح، میراث، و وفاداری اسرائیل به عهد، آگاهی ما را از شگفتی آنچه که مسیح در اولین ظهور خود ایجاد کرد، تقویت می‌کند. آنها به ما تعلیم می‌دهند که چطور باید در هر روز حیات‌مان، در خدمت به خدا زندگی کنیم. و همچنین ما را به سوی پایان عظیم تاریخ رهنمون می‌شوند، زمانی که فتح تکمیل می‌شود، میراث خلقت جدید از آن ما خواهد بود، و ما به عنوان قوم وفادار خدا در مسیح، بی‌گناه شمرده خواهیم شد.

نتیجه‌گیری

ما در «مقدمه‌ای بر یوشع» سه موضوع مهم را مورد بررسی قرار دادیم. نخست، به نویسندگی و تاریخ کتاب پرداختیم و دیدگاه‌های سنتی، انتقادی و اوانجلیکال دربارهٔ این موارد را در نظر گرفتیم. دوم، طرح و هدف کتاب یوشع را با در نظرگیری ساختار و محتوای کتاب و همچنین معنای اصلی آن مورد سنجش قرار دادیم. و سوم،

با نگاه به اینکه چطور مسیح در تاسیس، تداوم، و تکمیل پادشاهی پر جلال خدا، انتظارات ایجاد شده در کتاب یوشع را محقق ساخت، به کندوکاوی در برخی از کاربردهای مسیحی قابل استخراج از این کتاب پرداختیم.

کتاب یوشع در زمانی که اسرائیلیان باستان در روزگار خود با چالش‌هایی روبرو بودند، به آنها یادآوری کرد که خدا از طریق زندگی یوشع برای آنها چه کرده بود. و از بسیاری جهات، ما نیز امروزه با چالش‌های مشابهی در زندگی مان روبرو هستیم. اما همانطور که در این مجموعه دروس خواهیم دید، کتاب یوشع به اسرائیل فرصت‌هایی داد تا غیرت خود نسبت به کاری که خدا در زمان آنها انجام می‌داد را تجدید کنند. و به ما نیز فرصت‌هایی برای چنین تجدیدی می‌دهد. همانطور که بیشتر درباره این کتاب می‌آموزیم، نه تنها آگاهی مان نسبت به کاری که خدا از طریق یوشع در عهد عتیق انجام داد را افزایش خواهیم داد، بلکه آگاهی خود را از تمام کارهایی که خدا از طریق یوشع بزرگتر ما، عیسی، نجات‌دهنده مان، انجام داده، انجام می‌دهد، و انجام خواهد داد نیز افزایش می‌دهیم.

واژه‌نامه

ابراهیم: پاتریارک عهد عتیق، پسر تارح، پدر قوم اسرائیل که خدا در باب‌های ۱۵ و ۱۷ پیدایش با او عهد بست و به او وعده نسل‌های بی‌شمار و یک سرزمین ویژه داد.

عای: شهری کنعانی در نزدیکی بیت آون؛ تنها پس از آنکه اسرائیل از عدم وفاداری خود به خدا توبه کرد، توسط یوشع و اسرائیل فتح شد.

اموریان: قومی از نسل یکی از پسران کنعان؛ گاهی به عنوان نامی دیگر برای کنعانیان هم استفاده شده است.

تبعید بابلی: اخراج و تبعید اسرائیلیان باستان به بابل از حدود ۵۸۶ ق. م. تا ۹/۵۳۸ ق. م.

کتاب یاشر: اثری ناشناس که ممکن است در تجلیل اسرائیلیان قهرمان نوشته شده باشد؛ در یوشع ۱۰: ۱۳ و دوم سموئیل ۱: ۱۸ از آن نقل قول شده است.

سرزمین کنعان: منطقه‌ای که در عهد ابراهیم با خدا به عنوان میراث به ابراهیم و نوادگان او بخشیده شد؛ اسرائیل امروزی، سرزمین‌های فلسطینی، لبنان، اردن، سرزمین‌های ساحلی مجاور و بخش‌هایی از مصر و سوریه امروزی را در بر می‌گرفت.

کنعانیان: قومی از نوادگان کنعان، پسر حام، که پیش از فتح سرزمین کنعان به دست یوشع، در آنجا زندگی می‌کردند.

خارام: فعلی عبری به معنای «تعلق کامل به خدا» و «نابود کردن در سرسپردگی به خدا»

خِرم: موصوف عبری به معنای «چیز وقف شده» یا «ویرانی مطلق»

کرانه باختری: زمین‌هایی در غرب رود اردن که خداوند به عنوان میراث به اسرائیل وعده داده بود.

تکمیل: سومین و آخرین مرحله از آخرت‌شناسی آغاز شده؛ زمانی که مسیح باز خواهد گشت و هدف نهایی خدا برای تمام تاریخ را محقق خواهد کرد.

تداوم: مرحله دوم یا میانی از آخرت‌شناسی آغاز شده؛ دوره پادشاهی خدا بعد از ظهور اولیة مسیح و پیش از پیروزی نهایی او.

عهد: یک قرارداد حقوقی الزام‌آور که بین دو فرد یا گروهی از مردم، یا بین خدا و شخص یا گروهی از مردم منعقد شده باشد.

داوود: دومین پادشاه اسرائیل در عهد عتیق که وعده یافت نوه او بر تخت پادشاهی وی خواهد نشست و تا ابد حکمرانی خواهد کرد.

تثنیه‌نویس: بر اساس نقد منبع، سومین منبع ادبی معتبر برای تورات. اغلب D خوانده می‌شود چون این مطالب عمدتاً در کتاب تثنیه به چشم می‌خورند.

تاریخ تثنیه‌ای: (۱۹۴۳) کتابی به قلم مارتین نوٹ درباره نویسنده‌گی و تاریخ تثنیه، یوشع، داوران، سموئیل، و پادشاهان.

العازار: سومین پسر هارون و کاهن اعظم در زمان موسی و یوشع؛ پدر فینحاس.

جبعونیان: ساکنان شهر کنعانی جبعون که اسرائیلیان را فریب دادند تا با آنها پیمان ببندند.
تاسیس: مرحله اول در آخرت‌شناسی آغاز شده؛ به اولین ظهور مسیح و خدمات رسولان و انبیای او اشاره می‌کند.

اریحا: شهری کنعانی که به دست یوشع و اسرائیلیان، با مداخله معجزه‌آسای خدا، فتح شد.
یوشع: راهبر اسرائیل بعد از مرگ موسی که اسرائیل را به سرزمین وعده هدایت کرد، و میراث سبطی اسرائیل را با صداقت بین آنها تقسیم کرد.

داوران: افراد ویژه‌ای که از طرف خدا مامور شدند تا اسرائیل را بعد از مرگ یوشع و پیش از شروع پادشاهی از ستمگران خود رها کنند.

موسی: نجات‌دهنده و نبی عهد عتیق که اسرائیلیان را در خروج از مصر هدایت کرد؛ مردی که خدا با او «عهد شریعت» ملی را منعقد کرد و کسی که ده فرمان و کتاب عهد را بر اسرائیلیان اعمال کرد؛ همچنین در تبدیل هیئت عیسی همراه الیاس ظاهر شد.

کوه ایبال: کوهی در قلب سرزمین وعده و نزدیک به کوه جرزیم و شکیم، جایی که اسرائیل در روزگار یوشع عهد خود با خدا را تجدید کردند.

کوه جرزیم: کوهی در قلب سرزمین وعده و نزدیک به کوه ایبال و شکیم، جایی که اسرائیل در روزگار یوشع عهد خود با خدا را تجدید کردند.

ناخال: فعلی عبری به معنای «به ارث بردن»

ناخالا: اسم عبری به معنای «میراث»

عهد تازه: عهد تحقق در مسیح؛ اولین بار در ارمیا ۳۱: ۳۱ به آن اشاره شد.

نوٹ، مارتین: (۱۹۰۲-۱۹۶۸) محقق تاثیرگذار آلمانی که کتاب «تاریخ تنبیه‌ای» و دیگر کتبی را نوشت که فرضیه‌های او در مورد تاریخ اسرائیل را تشریح می‌کرد.

تورات: پنج کتاب اول عهد عتیق

فینحاس: پسر العازار و نوه هارون؛ کاهن اعظم بعد از پدرش؛ به خاطر ایمان غیروانه خود شناخته می‌شود.
تاریخ اولیه: تاریخ اسرائیل که دامنه آن از پیدایش تا پادشاهان به استثنای روت است.

سرزمین وعده: سرزمینی که خدا وعده داد به عنوان میراث به ابراهیم و نوادگان او ببخشد.

راحاب: زنی غیر یهودی که وقتی جاسوسان وارد سرزمین وعده شدند، به آنها کمک کرد؛ پس از فتح اریحا به عنوان بخشی از قوم اسرائیل محسوب شد.

سپتواجت: ترجمه یونانی عهد عتیق

شکیم: شهری واقع در نزدیکی کوه ایبال و کوه جرزیم، جایی که ابراهیم اولین قربانگاه خود را در زمین کنعان ساخت و اسرائیل در زمان یوشع عهد خود را در آن محل با خدا تجدید کردند.

تلمود: مجموعه‌ی تعالیم ربانی در مورد قوانین مدنی و آیینی یهود، که بازه‌ی زمانی حدوداً ۶۰۰ ساله‌ای را در بر می‌گیرد و از قرن اول پس از میلاد آغاز می‌شود.

ماوراءالنهر: زمین‌های شرق رود اردن که اسباط رئوبین، جاد و نیمی از سبط منسی در آنجا اجازه سکونت پیدا کردند.